

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۵

doi 10.22034/nf.2023.180992

## ضرورت‌های ساخت و کاربرد افعال تبدیلی در زبان فارسی

اصغر شهبازی\* (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، ایران)

**چکیده:** افعال تبدیلی یا به تعبیری افعال جعلی، افعالی هستند که از اسم یا صفت به اضافه تکواژ ماضی ساز «اید» ساخته می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد ساخت فعل ساده از اسم یا صفت از گذشته تا کنون در زبان فارسی وجود داشته و دلایل مختلف از جمله مخالفت برخی از ادبا، دست‌نویسان و ویراستاران با ساخت و کاربرد این افعال موجب شده است این افعال به‌ندرت در زبان نوشتار ظاهر شوند، و به تبع آن، زبان فارسی از این امکان آن‌گونه که باید و شاید بهره‌مند نشود. از آنجاکه این افعال در روزگار کنونی، یعنی روزگار مواجهه زبان فارسی با انبوه واژگان علمی، ضروری و لازم به نظر می‌رسد، در این مقاله پیشینه ساخت این افعال و تعداد آنها در سه گونه زبانی فارسی کهن، فارسی معیار و فارسی عامیانه بررسی شده و به‌طور خلاصه مشخص شده که از مجموع ۲۸۰ فعل ساده کهن و مهجور، ۱۹۴ فعل تبدیلی است. از ۲۲۰ فعل ساده زبان فارسی معیار، ۴۸ فعل تبدیلی است و از ۶۷ فعل ساده زبان فارسی عامیانه، ۶۰ فعل تبدیلی است. به عبارت دیگر، از مجموع ۵۶۷ فعل ساده زبان فارسی، ۳۰۲ فعل تبدیلی است. بنابراین، به‌رغم نظر برخی از محققان، بیش از نیمی از افعال زبان فارسی تبدیلی‌اند. در این مقاله همچنین، به مهم‌ترین اشکالاتی که بر ساختن و کاربرد این افعال وارد شده، پاسخ داده شده و نشان داده شده که فرایند ساخت فعل از اسم یا صفت هرگز نمرده و اکنون نیز فعال است و زبان فارسی در بحث معادل‌سازی واژگان علمی به‌شدت به این فرایند نیاز دارد.

**کلیدواژه‌ها:** دستور زبان، فعل فارسی، افعال جعلی (تبدیلی).

---

\* asgharshahbazi88@gmail.com

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

یکی از موضوعات بحث‌انگیز در زبان فارسی، افعال تبدیلی و یا به تعبیری افعال جعلی است؛ یعنی افعالی که از اسم<sup>۱</sup> یا صفت به اضافه تکرار ماضی‌ساز «اید» ساخته شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد پیشینه ساخت افعال تبدیلی دست‌کم به زبان پهلوی می‌رسد. در زبان پهلوی، یکی از روش‌های ساخت فعل، ساخت فعل از اسم بوده و این کار به دو روش صورت می‌گرفته است: الف) اسم به اضافه «ین» و «یدن»، مانند رواگینیدن (رواج دادن)، نامینیدن (نامیدن) و خوگینیدن (عادت دادن)؛ ب) اسم به اضافه «یدن»، مانند ایاسیدن (به یاد آوردن) و کینیدن (کین داشتن) (نک. ناتل خانلری، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳).

در فارسی دری نیز ساختن فعل از اسم رواج داشته و افعالی همچون آغازید، بوسید، ترسید (از کلمات فارسی)، رقصید، بلعید و طوافید (از کلمات عربی) ساخته شده‌اند. در متون ادب فارسی نیز با افعالی از این دست روبه‌رو می‌شویم؛ افعالی همچون خروشید، گمانید، نفرید (فردوسی)، ژاژید، پرتابید (ناصر خسرو)، تندید (سعدی)، گنجید، چربید، پُرید، سلفید، خموشید، عوید، قندید (مولوی)، پناهید (حافظ) و... (نک. شعار، ص ۱۲۱-۱۲۹).

با همه این اوصاف، ساخت این نوع از افعال استعمال عام نیافته و از قرن هفتم، نویسندگان یا اهل زبان، ساختن فعل تازه را از اسم یا صفت جایز ندانسته و از آن پرهیز کرده‌اند و حتی شیوه طرز افشار (از شاعران دوره صفوی) نزد اهل زبان جدی تلقی نشده (نک. ناتل خانلری، ج ۲، ص ۱۸۳-۱۸۴) و در سال‌های اخیر نیز با جعلی نامیدن این افعال، تقریباً ساخت و کاربرد آنها با اکراه و مخالفت همراه شده است و این در حالی است که برخی از زبان‌شناسان و متولیان امر واژه‌گزینی معتقدند زبان فارسی به شدت به این نوع از افعال نیاز دارد (نک. باطنی، ص ۵۶-۵۸؛ حق‌شناس، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ طباطبایی، ص ۱۲۳). از آنجاکه این موضوع هنوز هم با دو نگرش موافق و مخالف روبه‌رو است و برای بسیاری از اهل زبان و دانشجویان محل سؤال، نگارنده با طرح پرسش‌های زیر مجدداً این موضوع را مطرح کرده است.

الف) زبان فارسی در گونه‌های کهن، معیار و عامیانه چند فعل تبدیلی دارد؟

ب) روند ساخت افعال تبدیلی، در زبان فارسی، در ادوار تاریخی چگونه است؟

ج) افعال تبدیلی چه اهمیتی دارند و اگر ساخته نشوند چه اتفاقی می‌افتد؟

۱. معین اسم سازنده افعال جعلی را در اسم مصدر می‌داند (معین، ص ۸۲). خوینی این اسم را اسم فعل دانسته است (خوینی، ص ۳۲).

#### ۲-۱. پیشینه بحث

پیشینه بحث درباره افعال تبدیلی (جعلی) به دستورنویسان برمی‌گردد. بیشتر دستورنویسان با ساخت و ترویج این‌گونه از افعال مخالف‌اند. از این گروه، فرشیدورد در مقاله «ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی» این افعال را سماعی و غیرفعال دانسته و اذعان کرده که این افعال از لحاظ لغت‌سازی عقیم‌اند و کسانی که پسوندهای فعلی را به این افعال اضافه می‌کنند، خود و زبان فارسی را مسخره می‌کنند (نک. فرشیدورد، ص ۲۷۸-۲۸۳). از همین گروه، شریعت نیز در مقاله «نقد و تحلیل لغات و ترکیبات نو» معتقد است کمبود افعال ساده را در زبان فارسی، معانی گوناگون افعال جبران می‌کند و وضع افعال جعلی اگر از حد متعارف خارج شود، بیشتر شبیه شوخی است تا کار علمی و کم بودن تعداد مصادر جعلی در زبان فارسی به این معنی است که این افعال در زبان فارسی پا نمی‌گیرند، چنان‌که مشتقات آنها به ندرت استعمال می‌شود (نک. شریعت (۱)، ص ۳۶۳-۳۶۷). این در حالی است که جعفر شعار در مقاله «اشتقاق در زبان فارسی» نشان داده که مبنای اشتقاق در برخی از افعال، اسم است و این‌گونه از افعال نمونه‌های زیادی در متون ادب دارند (نک. شعار، ص ۱۲۱-۱۲۹). چنان‌که خانلری هم در کتاب تاریخ زبان فارسی نشان داده که در زبان فارسی دری (دست‌کم تا قرن هفتم) ساخت فعل ساده از اسم یا صفت رواج داشته است (نک. نائل خانلری، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳). بخش دیگری از پیشینه این بحث به زبان‌شناسان می‌رسد؛ یعنی کسانی که به این موضوع از دریچه‌ای دیگر می‌نگرند. باطنی در مقاله «فارسی‌زبانی عقیم؟» بیان کرده است که افعال بسیط (ساده) در فارسی زایایی زیادی دارند و برای واژه‌سازی علمی، ساختن افعال بسیط و گرفتن مشتق از آنها اهمیت زیادی دارد. وی معتقد است:

نگرانی‌های ادبای ما گرچه از روی دلسوزی است، ولی ریشه در واقعیت ندارد و شاید وقت آن رسیده باشد که برچسب «جعلی» و «جعلیات» از روی واژه‌های تازه پاک شود. اگر جز این کنیم، فارسی از لحاظ واژگان علمی زبانی عقیم باقی خواهد ماند (باطنی، ص ۴۶-۴۷، ۶۰).

صادقی نیز در مقاله «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی» نشان داده است که قاعده ساخت بن ماضی از بن مضارع در افعال دومصدری (کوفت و کوید، تاخت و تازید و...) و ساخت فعل از اسم یا صفت (جنگید، دزدید و...) در ذهن فارسی‌زبانان وجود دارد و ساخت این نوع از افعال براساس قاعده است و صرف نشدن این افعال مشکل مهمی نیست، چون در واژه‌سازی علمی، مشتقات اسمی و صفتی این افعال مهم است و متخصصان می‌توانند از این افعال واژه بسازند و به کار ببرند (نک. صادقی، ص ۲۳۸، ۲۴۵).

طباطبایی نیز در کتاب فعل بسیط و واژه‌سازی، در ضمن بحث از موانع درون‌زبانی زایایی واژگانی، بیان کرده است که روند ساخت فعل از اسم یا صفت نمرده و در زبان گفتاری کاربرد

فراوان دارد و اگر این توانایی زبان فارسی با توانایی دیگرش، یعنی به دست آوردن مشتق از فعل‌های ساده، همراه شود، زبان فارسی از پویایی بسیاری برخوردار خواهد شد و می‌توان از این رهگذر، مشکل کلمه‌های علمی را یکجا و به‌صورت خانوادگی حل کرد (نک. طباطبایی، ص ۱۲۳).

حق‌شناس نیز در مقاله «اشتقاق فعل و تصریف آن در فارسی» نشان داده است که تعداد الگوهای اشتقاقی فعل معدودند و اغلب ریخت و سرشتی نحوی دارند و از این تعداد، تنها دو الگو سرشت صرفی دارند: یکی الگوی ساخت فعل ساده، و دیگری الگوی ساخت فعل پیشوندی که از این دو الگو، بر الگوی ساخت فعل ساده نوعی نازایی (جعلی بودن) تحمیل کرده‌اند و همین باعث شده افعالی که براساس این الگو ساخته می‌شوند، مورد تأیید ادیبان واقع نشود، درحالی‌که این الگو توان واژه‌سازی خود را در زبان معمولی و محاوره‌ای مردم از دست نداده و ممانعت از ساخت افعال تبدیلی باعث شده کار ساختن فعل تازه در زبان فارسی بر عهده الگوهایی (الگوهای ساخت افعال مرکب) محول شود که سرشت نحوی دارند (نک. حق‌شناس، ص ۲۸۵-۲۸۶).

به‌هرروی، پیشینه تحقیق نشان می‌دهد بیشتر دست‌نویسان و ادبا، به‌رغم رواج این نوع از افعال در زبان فارسی، به‌ویژه زبان فارسی عامیانه، با ساخت این نوع فعل و اشتقاق‌های آنها مخالف‌اند. آنها معتقدند این افعال چون صرف نمی‌شوند و از آنها کلمات جدید ساخته نمی‌شود، در زبان فارسی پا نمی‌گیرند. درمقابل، زبان‌شناسان با توجه به قاعده‌مند بودن این افعال و نیاز زبان فارسی به این افعال، به‌ویژه در بحث واژه‌گزینی و معادل‌یابی، با ساخت و ترویج این افعال موافق‌اند. بنابراین، می‌توان گفت این موضوع همچنان محل بحث است و در سال‌های اخیر نیز افعال تبدیلی جدیدی ساخته شده است.

### ۳-۱. روش تحقیق

شیوه گردآوری داده‌ها در این مقاله از نوع کتابخانه‌ای، اما روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که پس از مطالعه مقالات و آثار نوشته‌شده در این باره، افعال تبدیلی زبان فارسی در سه گونه ادبی، معیار و عامیانه فهرست شده‌اند؛ اشتقاق‌های آنها بررسی شده و درنهایت، تعداد این افعال در زبان فارسی مشخص شده و اهمیت آنها در قالب چند دلیل بیان شده است.

### ۲. بحث اصلی

چنان‌که گفته شد، ساخت و کاربرد افعال تبدیلی با دو نگاه موافق و مخالف همراه است. دست‌نویسان، ادبا و ویراستاران با جعلی نامیدن این افعال، اکراه خود را و زبان‌شناسان با

تبدیلی نامیدن آنها، موافقت خود را با این افعال آشکار کرده‌اند. از آنجاکه ارائه نظر درباره درستی یا نادرستی یک مسئله منوط به داشتن تصویر روشنی از پیشینه و ماهیت آن است، نخست باید از تعداد و جایگاه این افعال در زبان فارسی آگاه شویم.

خانلری تعداد افعال ساده متداول زبان فارسی را ۲۷۶ و تعداد افعال ساده مهجور و متروک را ۱۷۸ مورد برشمرده است (نک. ناتل خانلری، ج ۲، ص ۳۹۵-۴۰۵)، درحالی‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد هم شمار افعال ساده متداول در زبان فارسی امروز از این عدد کمتر است و هم شمار افعال ساده کهن و مهجور از آن رقم بیشتر. بررسی نگارنده براساس به‌کاررفت این افعال در سه گونه زبانی معیار، کهن و عامیانه نشان می‌دهد زبان فارسی نوشتاری معیار، حدود ۲۲۰ فعل ساده، زبان فارسی کهن (ادبی قدیم تا قرن نهم)، بیش از ۲۸۰ فعل ساده و زبان فارسی عامیانه، ۶۸ فعل ساده دارد. به‌عبارت‌دیگر، زبان فارسی در سه گونه کهن، معیار و عامیانه دارای ۵۶۸ فعل ساده است. حال باید دید از این تعداد فعل ساده چند فعل تبدیلی است. از ۱۷۸ فعل ساده مهجوری که خانلری فهرست کرده، ۱۲۷ فعل تبدیلی است.

آبادانیدن (ستودن)، آچاریدن (در هم آمیختن)، آسانیدن (آسان گذراندن)، آسغدیدن (آماده کردن)، آسیدن (طلوع کردن)، آشکوخیدن (لغزیدن)، آغاریدن (سرشتن، تحریک کردن)، آغوشیدن (در آغوش گرفتن)، آفندیدن (جنگ کردن)، آگاهیدن (آگاه شدن)، آگیشیدن (اندرآویختن)، آماسیدن (ورم کردن)، آواریدن (حساب کردن)، الفنجیدن (اندوختن)، انبازیدن (شریک کردن)، انبوییدن (بوییدن)، انجوخیدن (در هم کشیده شدن پوست)، انجیدن / انجنیدن (ریزه‌ریزه کردن)، انجیردن (سوراخ کردن، زخم کردن)، اندخسیدن (پناه گرفتن)، اورندیدن (فریب دادن)، اوسانیدن (تیز کردن)، باوریدن (باور داشتن)، باهکیدن (شکنجه کردن)، بشکلیدن (رخنه کردن)، بیوازیدن (پاسخ دادن)، پاسیدن (پاس داشتن)، پاکیدن (پاک کردن)، پخسیدن (گداخته شدن و کاستن)، پخسیدن (پخش شدن)، پرتابیدن (پرتاب کردن)، پرماسیدن (لمس کردن)، پرمخیدن (مضطرب شدن)، پرهیزیدن (پرهیز کردن)، پریشیدن (پریشان کردن)، پسچیدن (تدارک کردن)، تاسیدن (بی‌قرار شدن)، تباهیدن (تباه کردن)، تخسیدن (بالا نشستن)، ترنجیدن (در هم کشیده شدن پوست)، تفسیدن (گرم شدن)، تندیدن (در خشم شدن)، توفیدن (غوغا کردن)، جخسیدن (ورم کردن)، جفتیدن (جفت شدن)، چاویدن (فریاد زدن)، چخیدن (ستیزه کردن)، چغریدن (ترسیدن)، چفسیدن (چسبیدن)، خرجیدن (گریستن)، خوشیدن (خشک شدن)، دراییدن (آواز کردن، گفتن)، دندیدن (زیر لب حرف زدن)، دنیدن (راه رفتن به‌خوشحالی)، رزیدن (رنگ کردن)، زخیدن / زنجیدن (مویه کردن)، زببیدن (سزاوار بودن)، ژفیدن (خیس کردن)، ژکیدن (زیر لب از خشم حرف زدن)، سپریدن (سپری کردن)، ستوهیدن (ملول کردن)، ستیهیدن / ستیزیدن (جنگ کردن)، سختیدن (سنجیدن، وزن کردن)، سکنجیدن (سرفه کردن)، سکیزیدن (جفته انداختن)، سوگیدن (سوگ گرفتن)، سهمیدن (ترسیدن)، شاریدن (ریختن آب)، شانیدن (شانه کردن)، شپیلیدن (سوت زدن)، شجانیدن (سرما خوردن)، شخسیدن (لغزیدن)، شخاییدن / شخالیدن (زخم کردن)، شخولیدن / شخلیدن (پژمردن)، شرمیدن (حیا کردن)، شکوهیدن (ترسیدن)، شمیدن (بیهوش شدن)، شومیزیدن (شخم زدن)، شیاریدن / شدیاریدن (شیار کردن زمین)، طوافیدن (طواف کردن)، طرازیدن (آراستن)،

غرنبیدن (فریاد کردن)، غریویدن (فریاد زدن)، غیژیدن (چهاردست‌وپا رفتن)، غمیدن (غمگین شدن)، فاندیدن (گواردن)، فاژیدن (خمیازه کشیدن)، فخمیدن (پنبه چیدن)، فراموشیدن (فراموش کردن)، فرجامیدن (به آخر رساندن)، فرکندیدن (فرسودن)، فروهیدن (آشکار کردن)، فسانیدن (مالیدن)، فسوسیدن (تأسف خوردن)، فنودن (فریفته شدن)، فوزیدن (غلبه کردن)، فیریدن (افسوس خوردن)، قندیدن، کاغیدن (صدا کردن کلاغ)، کالیدن (گریختن)، کامیدن (خواستن، آرزو کردن)، گالیدن (گریختن، دور شدن)، گامیدن (قدم زدن، رفتن)، گزیریدن (چاره کردن)، گمانیدن (گمان کردن)، گمیزیدن (بول کردن)، گواژیدن (مزاح کردن)، گوالیدن (بالیدن)، گوهریدن (عوض کردن)، لاشیدن (غارت کردن)، لاییدن (گفتن)، لخشیدن (لغزیدن)، لنجیدن (بیرون کشیدن)، مَخیدن (خزیدن)، منگیدن (زیر لب سخن گفتن)، ناویدن (خم شدن)، نثاریدن (نثار کردن)، نشلیدن (دوختن)، نفرینیدن (نفرین کردن)، نگاهیدن (نگاه کردن)، نمیدن (میل کردن)، نویدن / نوانیدن (نالیدن)، نهاریدن (خوردن)، نهازیدن (ترسیدن)، وشتیدن (رقصیدن)، وشکریدن / وشکولیدن (کاری را به‌جلدی انجام دادن) و وغستیدن (آشکار کردن). البته، چنان‌که گفته شد، تعداد افعال ساده کهن زبان فارسی، براساس آنچه در فرهنگ‌هایی همچون جهانگیری، برهان قاطع و آندراج ضبط شده، از رقم ۱۷۸ فعل بیشتر است و به حدود ۲۸۰ فعل می‌رسد. به عبارت دیگر، ۱۰۲ فعل ساده کهن در فرهنگ‌های پیش گفته وجود دارد که در فهرست خانلری نیست. از این تعداد (۱۰۲ فعل) ۶۷ فعل تبدیلی است.

آژندیدن (گل آکندن)، آژیریدن (بانگ کردن)، آغازیدن (شروع کردن)، آلیزیدن (جفته انداختن)، آوردیدن (حمله کردن)، ارمائیدن (حسرت بردن)، اشنوسیدن (عطسه کردن)، افتالیدن (پراکندن)، افزولیدن (پرشان کردن)، انجوخیدن (در هم کشیدن پوست)، اندخسیدن (حمایت کردن)، اوژولیدن (تعمیر کردن)، برمچیدن (لمس کردن)، بشولیدن (پرشان کردن)، پرواسیدن (ترسیدن)، پژولیدن (پرشان کردن)، پژوهیدن، پناهیدن، پوزیدن (عذر خواستن)، تولیدن (رم کردن)، چرنگیدن (صدای گرز و...)، چغریدن (التفات کردن)، چکسیدن (شرمند شدن)، خفیدن (خفه شدن)، درنگیدن (درنگ کردن)، ریهدن (خاک نرم از جایی ریختن)، ژنوبیدن (مویه کردن)، زهیدن (جوشیدن آب)، ژفیدن (خیس کردن)، ژولیدن (پرشان کردن)، سازیدن (به‌سامان کردن)، سگالیدن (اندیشیدن)، شاهیدن (پادشاهی کردن)، شگفتیدن (تعجب کردن)، شکوفیدن (شکفته شدن)، شکسیدن (صبر کردن)، شبیانیدن (لرزانیدن)، غراشیدن (خشم گرفتن)، غارتیدن (غارت کردن)، فتالیدن (پرشان کردن)، فراشیدن (لرز کردن)، فرغاریدن (خیس کردن)، فروزیدن (روشن کردن)، فرهنگیدن (ادب کردن)، فریوریدن (راست بودن)، کراشیدن (پرشان کردن)، کرشیدن (فریب دادن)، کلوچیدن (صدای جویدن چیزی)، کنبوریدن (مکر کردن)، کویستیدن (کوفته شدن)، گرازیدن (خرامیدن)، گُلائیدن (تکان دادن)، گیجیدن (گیج شدن)، لوسیدن (چاپلوسی کردن)، محاویدن (محو کردن)، مولیدن (تأخیر کردن)، موییدن (نوحه کردن)، بتاسیدن (خوشحال بودن)، نخچیزیدن (در هم گشتن)، نشکنجیدن (نشگون گرفتن)، نوردیدن (طی کردن)، نوفیدن (صدا کردن)، نهنبیدن (پنهان کردن)، ویدیدن (چاره کردن)، هارونیدن / هاژویدن (حیران شدن)، هوشازیدن (تشنه شدن) و هوشیدن (تعقل کردن). بنابراین، از تعداد ۲۸۰ فعل ساده زبان فارسی کهن، ۱۹۴ فعل تبدیلی است؛ یعنی از اسم یا صفت ساخته شده است.

در زبان فارسی معیار، از مجموع ۲۲۰ فعل، ۴۸ فعل تبدیلی است.

آرامیدن، انباریدن، انجامیدن، بلعیدن، بوسیدن، بویدن، پیچیدن، تابیدن، تراشیدن، ترسیدن، تَرکیدن، تکانیدن، جنبیدن، جنگیدن، جوشیدن، چرخیدن، چسبیدن، خیزیدن، خراشیدن، خروشیدن، خشکیدن، خوابیدن، خمیدن، درویدن، دزدیدن، دمیدن، دوییدن، رمزیدن، رقصیدن، رمیدن، رنجیدن، ستیزیدن، شتابیدن، شوریدن، طلبیدن، غلبیدن، فهمیدن، کاهیدن، کوچیدن، گذایدن، گسلیدن، لرزیدن، مکیدن، نازیدن، نامیدن، نگاریدن، نوازیدن و هراسیدن.

زبان فارسی عامیانه دارای ۶۷ فعل ساده است.

استندن، پفیدن، پُکیدن، پلکیدن، پلاسیدن، پلغیدن، پلفیدن، تاسیدن، تاروندن، تَرُشیدن، تَرُکیدن، تَرُوندن، تسونیدن، تَکیدن، تلگرافیدن، تمرگیدن، تنیدن، توپیدن، تیغیدن، جَریدن (پاره کردن)، جَریدن / جَرُوندن (تاب دادن)، چاپیدن، چاییدن، چپیدن، چربیدن، چروکیدن، چزیدن، چُسیدن، چَکیدن (قطع شدن)، چلیدن، چُلیدن، خیسیدن، دَرزیدن، رُمبیدن، رَندیدن، ریدن، زاریدن، سُریدن، سُنکیدن، سُلَفیدن، سُلُوقُوندن، شاشیدن، شکاردن (به جای آوردن)، شُلیدن، شوتیدن، شیویدن، قاپیدن، قبُولیدن / قَبُولاندن، قَرچیدن، قَلیدن، کپیدن، کَرچیدن، گازیدن، گاییدن، گندیدن، گوزیدن، لاسیدن، لافیدن، لمیدن، لنباندن، لندیدن، لنگیدن، لولیدن، لهیدن، لیزیدن، لیسیدن و ماسیدن. از این تعداد، ۶۰ فعل تبدیلی‌اند؛ یعنی از اسم، صفت، نام‌آوا یا کلمات عامیانه و مهممل ساخته شده‌اند. البته، این تعداد جدای از افعالی هستند که کودکان در مراحل آغازین حرف زدن می‌سازند؛ افعالی نظیر پَزیدن (پختن)، پُخیدن (پختن و گرم شدن)، یَخیدن (یخ کردن)، سوزیدن (سوختن) و کاریدن (کاشتن) و یا افعالی که در سال‌های اخیر جوانان ساخته‌اند؛ افعالی همچون چَتیدن (چت کردن)، زنگیدن (زنگ زدن) و هنگیدن (هنگ کردن رایانه و گوشی همراه) یا افعالی که مترجمان، ادبا و واژه‌گزین‌ها ساخته‌اند، نظیر اکسیدن، قطبیدن، یونیدن و غیره. با این اوصاف، می‌توان تعداد افعال تبدیلی زبان فارسی را در سه گونه کهن، معیار و عامیانه به شرح زیر ارائه کرد:

| ردیف | گونه زبانی         | تعداد افعال ساده | تعداد افعال تبدیلی |
|------|--------------------|------------------|--------------------|
| ۱    | زبان فارسی کهن     | ۲۸۰              | ۱۹۴                |
| ۲    | زبان فارسی معیار   | ۲۲۰              | ۴۸                 |
| ۳    | زبان فارسی عامیانه | ۶۷               | ۶۰                 |
| جمع  |                    | ۵۶۷              | ۳۰۲                |

و اذعان کرد که:

الف) چون سازوکارهای ساخت افعال ساده در زبان فارسی زایا نیستند، زبان فارسی، از نظر تعداد افعال ساده، جزء زبان‌های فقیر است؛

ب) برخلاف آنچه برخی می‌پندارند، بیش از نیمی از افعال ساده زبان فارسی تبدیلی‌اند؛

ج) در دو گونه زبانی کهن و عامیانه، با فراوانی افعال تبدیلی مواجه هستیم و این به آن معنی است که

افعال تبدیلی در گذشته رواج خوبی داشته‌اند، همچنان‌که اکنون نیز در زبان مردم رواج دارند؛

د) در زبان فارسی معیار که بیشتر مربوط به نوشتار است، با کاهش افعال تبدیلی مواجه هستیم که آن نیز احتمالاً از آنجا ناشی می‌شود که فارسی‌زبانان به ساختن و کاربرد افعال مرکب تمایل بیشتری دارند.

بنابراین، می‌توان گفت ساخت و کاربرد افعال تبدیلی در زبان فارسی پیشینه‌دار و مطابق با قواعد زبان فارسی است و به هیچ‌روی خلق الساعه و جعلی نیست و از قضا اکنون نیز اگر فعل ساده‌ای ساخته می‌شود، تبدیلی است، مانند توپیدن، شوتیدن، گازیدن، هنگیدن، چتیدن و غیره. اگرچه این پرسش همچنان وجود دارد که چرا این‌گونه افعال در زبان فارسی پا نمی‌گیرند یا برخی از به کار بردن آنها خودداری می‌کنند؟

بررسی کتاب‌ها و مقالات نوشته‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که زبان‌شناسان و متولیان امر واژه‌گزینی با ساخت این افعال موافق‌اند و مخالفان درجه‌اول این افعال، بیشتر، ادبا، دست‌نویسان و نویسندگان کتاب‌های درست‌نویسی و آیین نگارش‌اند و معمولاً مخالفت ایشان نیز به دلایل زیر است: الف) این افعال سماعتی‌اند نه قیاسی؛ یعنی نمی‌توان از همه کلمات (اسم‌ها و صفت‌ها) به این طریق فعل ساخت (نک. فرشیدورد، ص ۲۷۸؛ شریعت (۲)، ص ۹۴)؛

ب) این افعال عقیم‌اند؛ یعنی به صورت عادی از آنها کلمات دیگر ساخته نمی‌شود. برای مثال، از جنگیدن، جنگش و از فهمیدن، فهمش و غیره ساخته نمی‌شود (نک. فرشیدورد، ص ۷۸۲؛ شریعت (۱)، ص ۳۶۷)؛ ج) برخی از این افعال صرف نمی‌شوند؛ مثلاً، از تلگرافیدن، می‌تلگرافد و خواهد تلگرافید صرف نمی‌شود؛

د) پایه برخی از افعال تبدیلی (افعال تبدیلی ساخته‌شده در بحث واژگان علمی) فارسی نیست؛ ه) برخی از افعال تبدیلی، همچون برخی از افعال ساده زبان فارسی، متعلق به بافت ادبی‌اند و فارسی‌زبانان ترجیح می‌دهند به جای آنها از شکل مرکب آن افعال استفاده کنند. مقایسه کنید جفت‌واژه‌های زیر را: شتافتن (عجله کردن)، نگریستن (نگاه کردن)، آمیختن (مخلوط کردن)، آویختن (آویزان کردن)، گریستن (گریه کردن)، جنگیدن (جنگ کردن) و غیره، یا اینکه برخی از افعال تبدیلی متعلق به زبان عامیانه‌اند و نمی‌توان از آنها در زبان معیار استفاده کرد.

در پاسخ به اشکال اول، یعنی سماعتی دانستن این افعال، نگارنده معتقد است فرایند ساخته شدن فعل از اسم یا صفت، به‌عنوان یکی از قواعد ساخت‌واژی زبان فارسی، در ذهن گویشوران تثبیت شده است و به‌رغم آنکه برخی از افعال تبدیلی هرگز اجازه نمی‌یابند به زبان نوشتاری رسمی راه پیدا کنند، در همین سال‌های اخیر بیش از چهل فعل تبدیلی ساخته شده و در نزد مردم تداول یافته است (نک. طباطبایی، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ وحیدیان‌کامیار و عمرانی، ص ۳۴). بنابراین،



چرا باید چنین افعالی را سماعی بدانیم و اعلام کنیم که نمی‌توان براساس چنین قاعده‌ای از همه کلمات فعل ساخت. البته، اینکه همه فرایندهای ساخت‌واژی به یک اندازه فعال نیستند، بحث دیگری است و فرایند ساخت فعل از اسم و صفت هم به دلایلی که برخی از آنها را خودمان ایجاد کرده‌ایم، نیمه‌فعال است، اما سماعی دانستن این افعال نظر دقیقی نیست.

در پاسخ به ایراد دوم، یعنی عقیم بودن این افعال، می‌توان گفت یکی از دلایل عقیم بودن افعال ساده و تبدیلی زبان فارسی مربوط به نیمه‌فعال بودن پسوندهای فعلی (ار، ـش، ـان) است؛ یعنی پسوندی که نمی‌توان آنها را به هر ریشه‌ای و کلمه‌ای الحاق کرد (نک. فرشیدورد، ص ۲۷۸). به‌علاوه، برخی از آنها، مانند «ـش» متعلق به زبان رسمی‌اند، درحالی‌که شمار زیادی از افعال تبدیلی زبان فارسی متعلق به زبان عامیانه‌اند (نک. طباطبایی، ص ۱۲۳ و ۱۲۶). البته، این نکته را هم باید در نظر داشت که همه افعال تبدیلی عقیم نیستند و با برخی از آنها چندین کلمه ساخته شده است. برای اثبات ادعا، برخی از کلمات ساخته‌شده با افعال تبدیلی زبان فارسی معیار و عامیانه (به‌جز صفت مفعولی که از تمام افعال تبدیلی می‌توان صفت مفعولی ساخت) در زیر می‌آید.

آرامیدن: آرامش؛ آگاهیدن: آگاهنده؛ آماسیدن: آماسنده؛ بوسیدن: بوسه؛ بوییدن: بویا، بوینده؛ پیچیدن: پیچش، پیچک، پیجان، پیچنده، پیچیدگی؛ تاپیدن: تابنده، تابندگی؛ تراشیدن: تراشه، تراشنده؛ ترسیدن: ترسان، ترسنده؛ تنیدن: تنش؛ توفیدن: توفان، توفنده؛ جنبیدن: جنبان، جنبنده؛ جنگیدن: جنگی، جنگنده، جنگندگی؛ جوشیدن: جوشان، جوشنده، جوشش؛ چرخیدن: چرخان، چرخش، چرخنده، چرخه؛ چسبیدن: چسبان، چسبنده، چسبندگی؛ خروشیدن: خروشان، خروشنده؛ خشکیدن: خشکه، خشکیدگی؛ خمیدن: خمیدگی؛ دمیدن: دما، دمان، دمش، دمنده؛ رزمیدن: رزمنده، رزمندگی؛ رقصیدن: رقصان، رقصنده؛ رمیدن: رمان، رمنده؛ رنجیدن: رنجه، رنجش؛ رندیدن: رنده؛ ریدن: ریدمان؛ زیبیدن: زیبا، زیننده؛ ستیزیدن: ستیزه، ستیزنده؛ شتابیدن: شتابان، شتابنده؛ شوریدن: شورش، شورشی؛ غرنبیدن: غرنبه، غرنبش؛ غلتیدن: غلتک، غلتان؛ فروزیدن: فروزان، فروزش، فروزنده، فروزندگی؛ فهمیدن: فهمیدگی؛ کوچیدن: کوچنده؛ گدازیدن: گدازه، گدازنده؛ لرزیدن: لرزان، لرزش، لرزنده؛ مکیدن: مکش، مکنده؛ نازیدن: نازش، نازنده؛ هراسیدن: هراسان، هراسنده.

طباطبایی نشان داده است که حدود دویست واژه با فرایند «ستاک حال + ـش: اسم مصدر» ساخته شده که در برخی از آنها، ستاک فعل تبدیلی است (نک. طباطبایی، ص ۱۰۹). به‌علاوه، برخی از افعال ساده غیرتبدیلی هم مشتقات زیادی ندارند. برای مثال، از مصدر «نمودن» مشتقات «نمودار»، «نمونه»، «نمایان»، «نمایش» و «نمایه» به دست می‌آید، اما از مصدر «خریدن» فقط «خریدار» ساخته شده است. یا از مصدر «گفتن»، «گفتار»، «گفتمان»، «گویا»، «گویش» و «گوینده» ساخته شده، اما از مصدر «گماشتن» فقط «گمارده» یا «گماشته» ساخته شده است.

در پاسخ به اشکال سوم، یعنی صرف نشدن افعال تبدیلی، باید گفت موضوع این‌گونه نیست و بیشتر افعال تبدیلی صرف می‌شوند. برای مثال، اغلب افعال تبدیلی زبان فارسی معیار، یعنی آرامیدن، انباریدن، انجامیدن، بلعیدن، بوسیدن، بوییدن، پیچیدن، تابیدن، تراشیدن، ترسیدن، ترکیدن، تکانیدن، جنبیدن، جنگیدن، جوشیدن، چرخیدن، چسبیدن، خیزیدن، خراشیدن، خروشیدن، خشکیدن، خوابیدن، خمیدن، درویدن، دزدیدن، دمیدن، دویدن، رزمیدن، رقصیدن، رمیدن، رنجیدن، ستیزیدن، شتابیدن، شوریدن، طلپیدن، غلتیدن، فهمیدن، کاهیدن، کوچیدن، گدازیدن، گسلیدن، لرزیدن، مکیدن، نازیدن، نامیدن، نگاریدن، نوازیدن و هراسیدن صرف می‌شوند و فقط برخی از این افعال صرف نمی‌شوند که آنها هم بیشتر افعالی هستند که در سال‌های اخیر با برخی از کلمات انگلیسی یا فرانسوی ساخته شده‌اند، مانند «تلگرافیدن»، «هنگیدن»، «یونیدن»، «قطبیدن» و غیره. اگرچه آنچه از این افعال در واژگان علمی مورد نیاز است، مشتقات اسمی و صفتی فعل است نه شکل‌های تصریف‌شده آنها. برای مثال، تقریباً صورت‌های صرفی فعل «نمود» استفاده نمی‌شود، اما صورت‌های اشتقاقی آن مانند «نمایش» و «نماینده» کاربرد فراوان دارد (نک. همان، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ صادقی، ص ۲۴۵).

درباره اشکال چهارم، یعنی غیرفارسی بودن پایه برخی از افعال تبدیلی، می‌توان گفت این موضوع بیشتر درباره واژگان علمی صدق می‌کند و آن‌هم شاید به این دلیل باشد که متأسفانه ما در برابر برخی از اسامی بیگانه، واژه فارسی یا معادل مناسب نداریم. مثلاً، در برابر «چت» چه واژه‌ای قرار دهیم که وقتی فعل تبدیلی از آن می‌سازیم از «چتید» ساده‌تر، کوتاه‌تر و روشن‌تر باشد؟ بنابراین، چون بخشی از افعال تبدیلی برای واژگان علمی ساخته می‌شوند و واژگان علمی هم مخاطب خاص خود را دارند، موضوع آن‌چنان مشکل نیست که بتوان آن را مانع ساخت افعال تبدیلی دانست.

در پاسخ به اشکال پنجم، یعنی تعلق برخی از افعال تبدیلی به بافت ادبی یا عامیانه، باید گفت این موضوع تا حدودی درست است و اتفاقاً از موانع درون‌زبانی ساختن واژه است.

با این اوصاف، می‌توان گفت نگرانی‌های ادبا، دستورنویسان و نویسندگان کتاب‌های درست‌نویسی اگرچه از روی دلسوزی است، اما مبنای علمی ندارد و به ایشان توصیه می‌شود نام «جعلی» را از روی افعالی که بر مبنای قاعده زنده‌ای ساخته می‌شوند، بردارند و از این به بعد، این افعال را افعال تبدیلی بنامند تا مردم هم از ساختن و به کار بردن این افعال اکراه نداشته باشند و به این طریق، بخشی از کمبود افعال ساده در زبان فارسی جبران شود.

اما درباره پرسش آخر مقاله، یعنی اهمیت افعال تبدیلی و اینکه اگر افعال تبدیلی ساخته نشوند، چه اتفاقی می‌افتد، باید گفت از میان تغییرات اشتقاقی گوناگون، گذر از مقوله اسم یا صفت به

مقوله فعل بسیار مهم است، چون فعل از زایایی بالایی برخوردار است و می‌توان از آن مشتقات بسیاری به دست آورد، اگرچه زبان فارسی از نظر ساخت صفت، غنی و قوی است، اما از نظر ساخت اسم، فقیر و ضعیف است (نک. شفیع، ص ۱۴۳؛ کشانی، ص ۳۰۰). به عبارت دیگر، در فارسی به راحتی می‌توان از اسم (فارسی یا دخیل) چندین صفت ساخت: خورشیدوش، خورشیدفام، خورشیدسان، خورشیدوار و غیره، یا اورانوس‌وش، اورانوس‌سا، اورانوس‌فام، اورانوس‌سان، اورانوس‌آسا، اورانوس‌وار و غیره، اما نمی‌توان به آسانی اسم و یا فعل ساده ساخت و به همین دلیل، در روزگار کنونی که جهان در برابر پیشرفت حیرت‌انگیز علم و فناوری قرار گرفته و هر روز با ده‌ها و بلکه صدها نام و عمل وسیله جدید روبه‌رو می‌شود، زبان فارسی با مشکل بزرگی (کمبود اسم و فعل) مواجه است و باید از تمام امکانات خود و تجربه‌های زبان‌های دیگر استفاده کند، وگرنه منفعل خواهد ماند.

در چنین موقعیتی، کشورهای اروپایی نه تنها هزاران ریشه لغت را از زبان‌های یونانی و لاتین به وام می‌گیرند، بلکه برحسب نیاز، از وام‌گیری پسوندها و پیشوندهای لاتین و یونانی نیز ابا ندارند و مثلاً با افزودن پیشوندها و پسوندها به یک ریشه، واژه بسیار طولانی‌ای مانند disestablishmentarianism (تفکر جدایی دین از سیاست) را می‌سازند. امکانات صرفی یک زبان را نمی‌توان به زبان دیگر تعمیم داد، اما برای روشن‌تر شدن موضوع، ملاحظه شود که در زبان انگلیسی از صفت polarize فعل polarize را ساخته‌اند. در عربی معادل آن، یعنی فعل «استقطب» را به کار می‌برند، اما فارسی‌زبانان ترجیح می‌دهند که «قطبی کردن» بگویند و نگویند «قطبیدن» و اگر کسی بگوید «قطبیدن»، می‌گویند از افعال جعلی استفاده کرده و زبان فارسی را به سخره گرفته است.

در همین راستا، باطنی معتقد است زبان فارسی در وضع کنونی برای برآوردن نیازهای روزمره مردم با مشکلی مواجه نیست، اما برای واژه‌سازی علمی از زایایی لازم برخوردار نیست و حتی می‌توان گفت عقیم است، مگر اینکه راهی برای آن اندیشیده شود و شاید مهم‌ترین راه، دست‌کم برای معادل‌سازی واژگان بیگانه، همین ساختن افعال تبدیلی از اسامی و صفات باشد. مثلاً اگر از «یون» «یونیدن» را بسازیم، می‌توانیم در مقابل سیزده اصطلاح ionize, ionized, ionizing, ionizable, ionizability, ionization, ionizer, ionization chamber, ionization energy, ionization potential, ionization track, ionizing radiation, ionized gas به ترتیب، اصطلاحات یونیدن، یونیده، یوننده، یونش، یونیدگی، یونش‌پذیر، یونش‌پذیری، اتاقک یونش، انرژی یونش، پتانسیل یونش، رد یونش، گاز یونیده و تابش یوننده را قرار دهیم (نک. باطنی، ص ۵۸) و اگر «یونش» را نپذیریم، باید «یونیزاسیون» و «یونیزه» را به کار ببریم و این استفاده دست‌کم دو ضرر دارد: اول اینکه دستگاه ساخت‌واژه زبان فارسی بی‌استفاده می‌ماند؛

و دوم اینکه یک فرایند صرفی بیگانه را وارد زبان فارسی می‌کند و در آینده ممکن است با همین الگو واژه‌های دیگری نیز ساخته شود.

به این نکته هم باید توجه کنیم که امروز هم اگر فعل ساده جدید ساخته می‌شود، از افعال تبدیلی است و گواه آن حدود ۶۰ فعل ساده تبدیلی است که در زبان فارسی عامیانه به کار می‌رود (نک. وحیدیان کامیار، ص ۳۴). بنابراین، نباید از ساختن و به کار بردن افعال تبدیلی پروا داشته باشیم و توجه داشته باشیم که اگر با کلمات بیگانه فعل ساده تبدیلی نسازیم، باید با آنها فعل مرکب بسازیم، چنان‌که اکنون افعال دانلود کردن، آپلود کردن، دیلیت کردن، کیی کردن، پیست کردن، سیو کردن، اسکن کردن، ریموو کردن، آپدیت کردن، چت کردن، هنگ کردن، ویس گرفتن، لایو گرفتن، فالو کردن، اد کردن، بلاک کردن و غیره را ساخته‌ایم و به کار می‌بریم، درحالی‌که می‌دانیم کلمات ساخته‌شده با افعال مرکب، طولانی‌تر از کلمات ساخته‌شده با افعال ساده‌اند و در بحث واژه‌سازی، کوتاه بودن واژه بسیار مهم است. جوانان اکنون کلمه «هنگید» را ساخته‌اند که به‌راحتی می‌توان از آن «هنگش»، «هنگیده» و «هنگنده» را ساخت، اما برخی «هنگ کردن» را ترجیح می‌دهند و به‌ناچار باید مشتقات آن را هم به‌صورت «هنگ کردن»، «هنگ کرده» و «هنگ‌کننده» به کار ببرند. بنابراین، ساختن افعال تبدیلی نه الگو برداری از زبان‌های بیگانه است و نه به‌سخره گرفتن زبان فارسی. این کار تنها فعال ساختن یکی از امکانات واژه‌سازی فارسی است که می‌تواند در روزگار کنونی بخشی از مشکلات ما را در حوزه واژه‌گزینی حل کند.

### ۳. نتیجه

یکی از موضوعات بحث‌انگیز در حوزه دستور زبان فارسی، ساخت و کاربرد افعال تبدیلی یا به تعبیری افعال جعلی است؛ یعنی افعالی که از اسم یا صفت به‌اضافه تکواژ «اید» ساخته می‌شوند. بسیاری از ادبا، دستورنویسان و نویسندگان کتاب‌های آیین نگارش، با ساختن و به کار بردن این افعال مخالف‌اند و معتقدند اولاً، تعداد این افعال بسیار کم است و از همین روی سماعی‌اند؛ یعنی نمی‌توان به این طریق از کلمات دیگر فعل ساخت. ثانیاً، این افعال صرف نمی‌شوند. ثالثاً، عقیم‌اند؛ یعنی از آنها نمی‌توان کلمات دیگر ساخت. از آنجاکه زبان فارسی در بحث معادل‌یابی برای واژگان علمی به‌شدت به این افعال نیاز دارد، در این مقاله پس از مرور آثار و مقالات نوشته‌شده، پیشینه این افعال در سه گونه زبانی فارسی کهن، فارسی معیار و فارسی عامیانه بررسی شده و مشخص شده که اولاً از مجموع ۲۸۰ فعل ساده کهن و مهجور، ۱۹۴ فعل تبدیلی است. از ۲۲۰ فعل ساده زبان فارسی معیار، ۴۸ فعل تبدیلی است و از ۶۷ فعل ساده زبان فارسی عامیانه، ۶۰ فعل تبدیلی است. به‌عبارت‌دیگر، از مجموع ۵۶۷ فعل ساده زبان فارسی، ۳۰۲ فعل تبدیلی

است، بنابراین، به‌رغم نظر برخی از محققان، بیش از نیمی از افعال زبان فارسی تبدیلی‌اند و این به آن معنی است که فرایند ساخته شدن فعل از اسم یا صفت، به‌عنوان یکی از قواعد ساخت‌واژی زبان فارسی، در ذهن گویشوران تثبیت شده است و به‌رغم آنکه برخی از افعال تبدیلی هرگز اجازة نمی‌یابند به زبان نوشتاری رسمی راه پیدا کنند، اولاً، در همین سال‌های اخیر بیش از چهل فعل تبدیلی ساخته شده و در نزد مردم تداول یافته است. ثانیاً، برخلاف نظر برخی از محققان، همه افعال تبدیلی عقیم نیستند و با برخی از آنها چندین کلمه ساخته شده و بیشتر افعال تبدیلی صرف می‌شوند. ثالثاً، ساخت افعال تبدیلی در گذشته بیشتر معمول بوده و اکنون زبان فارسی به شدت حیرت‌انگیزی به ساخت افعال مرکب‌گرایش پیدا کرده و افعال تبدیلی‌ای که اکنون ساخته می‌شوند، بیشتر مربوط به زبان فارسی عامیانه‌اند و از همین روی کمتر به زبان فارسی معیار راه پیدا می‌کنند. درنهایت اینکه اگر بخواهیم زبان فارسی در مواجهه با انبوه واژگان علمی از موضع انفعال خارج شود، چاره‌ای جز این نداریم که ساختن افعال تبدیلی را رواج بدهیم و اذعان کنیم که نگرانی‌های ادبا، دستورنویسان و ویراستاران مبنای علمی ندارد و باید نام «جعلی» را از روی افعالی که بر مبنای قاعده زنده‌ای ساخته می‌شوند، برداریم و از این به بعد این افعال را افعال تبدیلی بنامیم تا مردم هم از ساختن و به کار بردن آنها اکراه نداشته باشند و به این طریق، بخشی از کمبود افعال ساده زبان فارسی جبران شود.

### منابع

- باطنی، محمدرضا، «فارسی زبانی عقیم؟»، پیرامون زبان و زبان‌شناسی، چاپ سوم، آگاه، تهران ۱۳۸۵، ص ۴۵-۶۲.
- حق‌شناس، علی محمد، «اشتقاق فعل و تصریف آن در زبان فارسی»، زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، آگاه، تهران ۱۳۸۲، ص ۲۸۱-۳۰۱.
- خوینی، عصمت، «نوعی اسم مصدر در زبان فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۹، ۱۳۹۲، ص ۲۰-۳۲.
- شریعت، محمدجواد (۱)، «نقد و تحلیل لغات و ترکیبات نو»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، زیر نظر علی کافی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۲، ص ۳۶۲-۳۷۱.
- \_\_\_\_\_ (۲)، دستور زبان فارسی، چاپ هفتم، اساطیر، تهران ۱۳۷۵.
- شعار، جعفر، «اشتقاق در زبان فارسی»، سخنرانی‌های دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۵۴، ص ۱۲۱-۱۲۹.
- شفیعی، محمود، «زبان و ادب فارسی در پیشرفت زبان»، سخنرانی‌های دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران ۱۳۵۴، ص ۱۳۰-۱۴۳.

- صادقی، علی‌اشرف، «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، زیر نظر علی کافی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۳۶-۲۴۵.
- طباطبایی، علاءالدین، فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۶.
- فرشیدورد، خسرو، «ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی»، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، زیر نظر علی کافی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۲، ص ۲۶۸-۳۶۱.
- کشانلی، خسرو، اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۱.
- معین، محمد، اسم مصدر و حاصل مصدر، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶.
- ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، چاپ سوم، نشر نو، تهران ۱۳۶۶.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی، دستور زبان فارسی ۱، چاپ نوزدهم، سمت، تهران ۱۳۹۸.

